

## جایگاه معرفت‌شناختی فرونیسی و اهمیت آن

### در فلسفه اخلاق ارسطو

علی ناظمی اردکانی<sup>۱</sup>؛ رضا داوری اردکانی<sup>۲</sup>؛ مالک حسینی<sup>۳</sup>

#### چکیده

فرونیسیس یا حکمت عملی یکی از فضایل عقلی است که ارسطو آن را به استعداد عمل کردن پیوسته با تفکر درست در اموری که برای آدمی نیک یا بد هستند، تعریف کرده است. عمل حاصل از این استعداد یا عمل فرونتیک، حاصل نحوه‌یی از اندیشیدن فلسفی است که در عین نظر به مبادی و اصول ثابت، به مدینه (پولیس) بمتابه بستر شکلگیری اعمال، به امور کرانمند و جزئی و متغیر بمتابه متعلقات شناخت و به انسان بمتابه عاملی مختار، نظر دارد. قاعده‌نامندی فرونیسیس و در عین حال موجه بودنش، راهکاری است تا به قواعد سخت و ثابت علمی بمتابه تنها روش موجه شناخت، تن ندهیم. ارسطو در واقع، با تمایز بخشیدن روشمند بین سوفیا یا حکمت نظری و فرونیسیس، استقلال و تحویل‌ناپذیری معرفت عملی - اخلاقی درباره آنچه

۶۳

۱. دانشجوی دکتری فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی؛ [ali.nazemi@yahoo.com](mailto:ali.nazemi@yahoo.com)

۲. استاد گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران؛ [rdavari@ias.ac.ir](mailto:rdavari@ias.ac.ir)

۳. استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول)؛ [m-hosseini@srbiau.ac.ir](mailto:m-hosseini@srbiau.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۵



درست است را پایه‌گذاری کرده است؛ تأمل‌ورزی عملی را نمیتوان به براهین منطقی فروکاست. در فلسفه اخلاق ارسطو، معرفت عرضی، بمثابه معرفتی ناظر به امور کرانمند و جزئی و ممکن و متغیر، تکمله‌یی بر معرفت ذاتی بمثابه معرفتی ناظر بر امور ازلی و کلی و مبادی نخستین و ثابت واقع میشود. سوفیا و فرونسیس تنها در صورتی که بمثابه دو روی یک سکه باشند نیکبختی را در پی خواهند داشت.

**کلیدواژگان:** فرونسیس، حکمت عملی، سوفیا، حکمت نظری، معرفت عملی - اخلاقی.

\* \* \*

#### مقدمه

هایدگر در درسگفتارهای مربوط به سوفیست افلاطون، درک یونانی از هستی (being) را متأثر از نوعی تمجید عمیق از امر ابدی و ازلی و ضروری که موقعیت سوفیا را ممتاز میکرده است، میدانند. با این حال، او به این موضوع هم اشاره میکند که مفهوم فرونسیس (Phronesis) که ارسطو در اخلاق نیکوماخوس به تبیین آن پرداخته، گرچه از لحاظ ساختار بسیار شبیه سوفیا (Sophia) است اما میتواند بعنوان رقیبی اصیل در مقابل سوفیا بمثابه عالیترین امکان دازاین (Dasein) واقع شود (Long, 2002, p. 35). در عین حال، سوفیا همچنان اهمیت ارسطویی خود را نزد هایدگر حفظ کرده است. ارسطو بصراحت فعل اخلاقی را به فرونسیس که همان تشخیص خوب و بد افعال و اعمال در وقت و جای خود است، منسوب کرد و در نتیجه خیر و شر را در عالم انسانی محدود ساخت. او مجالی ایجاد کرد که در آن عمل انسانی شایستگی ورود به قلمرو دانایی و فلسفه را احراز کرد و در نهایت، بیشتر از اسلاف خود (سقراط و افلاطون) نظر را از آسمان به زمین و جهان انسانی آورد (داوری اردکانی، ۱۳۹۵: ۳۲).

۶۴

